

اعجاز قرآن

درس بیست و هفتم

استاد: حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار: سرکار خانم حیدری

در قرآن از تشبیه استفاده زیادی شده و در مباحث اعجاز بیانی، آیت الله معرفت، هفتمین وجه را به تشبیه اختصاص داده - است. مبحث تشبیه اولین قسمت از مباحث فن بیان است . البته برخی این نوع را از نظر بلاغت و ظرافت در بیان، در مرتبه‌ای پس از کنایه و استعاره قرار داده اند؛ با این حال لطافت ها و زیبایی های تشبیه، کلام را در نظر مخاطب دلپذیر و دلنشین می نماید و او را نسبت به پذیرش آن تشویق می کند. آیت الله معرفت نیز به این ترتیب توجه کرده و ابتدا تشبیه ، سپس استعاره و بعد کنایه را می آورد. در این بخش ابتدا توضیحی درباره تشبیه داده می شود . پس از آن مثال هایی از قرآن در این باره می آوریم و در پایان، انواع تشبیه و فایده های آن خواهد آمد.

تشبیه در آیات قرآن

تشبیه تصویری هنری از معناست که در قالب مثال در خیال تجسم می یابد. تشبیه به هر اندازه که در رساندن مقصود کارسازتر باشد، زیبایی آن افزون تر خواهد بود. دقت و لطافت تعبیر نیز، خوبی و کمال آن را فراتر می برد. تشبیهات قرآنی نیز چنین است. ابن اثیر می گوید: در تشبیه سه صفت «مبالغه، بیان و ایجاز» جمع شده است. وقتی میگوییم «زید اسد» زید را به شجاعت، قدرت و جرأت توصیف کرده ایم. به نظر جرجانی اهداف تشبیه را نمی توان برشمرد، وی هدف عمومی تشبیه را بالا بردن یا پایین آوردن مقام مُ شبّه می داند. تشبیه انواعی دارد و اغراضی را دنبال می کند که در علوم بلاغت برشمرده اند. آنچه در اینجا مورد نظر می باشد، این است که اهل بیان، اعتراف کرده اند که تشبیهات قرآن دارای زیباترین محاسن بدیعی می باشد که در اینجا به ذکر چند نمونه می پردازیم.

۱. ابن اثیر درباره تشبیه مفرد به مفرد، این آیه را مثال می زند: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا»^۱. به گفته وی در این آیه شب به پوششی همچون لباس تشبیه شده؛ زیرا تاریکی شب، افراد را از دید یکدیگر پنهان می دارد و اگر کسی بخواهد از دست دشمن بگریزد یا در کمین او بنشیند، یا چیزی را از دید دیگران مخفی کند، می تواند از تاریکی شب استفاده کند. وی در باره این تشبیه می گوید: تشبیه شب به لباس، از تشبیهات ظریفی است که مانند آن را در کلام منثور و منظوم دیگری نمیتوان یافت.

۲. هم چنین آیه: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۲ که همسران را هم چون پوششی برای یکدیگر ترسیم کرده است از ظریف ترین تشبیهات به شمار می رود، همان گونه که لباس زینتی برای انسان است و او را می پوشاند و از گزند سرما و گرما نگاه می دارد، به همین ترتیب همسر نیز زینت بخش حیات و پوشش زشتی ها و مانعی برای فروافتادن در لغزش ها و پلیدی هاست.

۱. نبا/ ۱۰

۲. بقره/ ۱۸۷

۳. از دیگر تشبیهات زیبای قرآن آیه : «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»^۱ است. این تشبیه به اندازه‌ای گویا و دقیق است که بیش از مجاز، گویای حقیقت است. زیرا «حرث» زمین آماده کشت است، که «رَحِم» بدان تشبیه شده و زمینه آماده‌ای برای کشت فرزندان است.

انواع تشبیه

۱. تشبیه معنای ذهنی با معنای ذهنی دیگر؛ مانند تشبیه‌هایی که برای ویژگی‌ها و حالت‌ها می‌آوریم؛ مثل: زید کالاسد که تشبیهی متعارف است.

۲. تشبیه یک مفهوم حسی با مفهوم حسی دیگر که در زیبایی مانند آن است؛ مانند این آیه: «وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ * كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ»^۲

۳. تشبیه یک معنای ذهنی به معنای ظاهری و حسی؛ مانند این که بخواهیم حالت روحی را به شکل شیء خارجی به تصویر بکشیم. این نوع از تشبیه از بلیغ‌ترین انواع تشبیه است که تمثیل نامیده می‌شود و در قرآن فراوان است؛ خصوصاً زمانی که می‌خواهد به مقصدی متعالی دعوت کند. مانند این آیه: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ * أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ»^۳

۴. تشبیه معنای حسی به معنای ذهنی؛ این نوع، از لطیف‌ترین انواع تشبیه است، برای این که تصویر ظاهری را به خیال منتقل می‌کند و به او هام رهنمون می‌شود. اگر کسی در این نوع تشبیه زبردست باشد، تشبیهات بدیعی ارائه خواهد نمود که از نکته سنجی و مهارت او در فن بیان ناشی می‌گردد. مثال قرآنی این تشبیه عبارتست از: «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ

۱. بقره/۲۲۳

۲. صافات/۴۸-۴۹

۳. نور/۳۹ و ۴۰

فِي الْجَارِيَةِ»^۱ در این آیه فوران و خارج شدن آب از حد طبیعی ، به حالت تکبر و برتری جویی انسانی تشبیه شده که طغیان کرده و از حدود و قوانین گذشته است. تکبر و برتری جویی ناشایست، امری معنوی است که در این جا، امر محسوسی چون فوران آب، به آن امر معنوی تشبیه شده است.

روح بخشی به اشیاء

برای درخشنده و پر شکوه نشان دادن برخی امور هستی، روش هنری دیگری در تعبیر قرآنی به کاررفته است که بر اساس آن، هر تعبیر جامدی را از زندگی سرشار کرده و هر چیز بی جانی را حرکت و هیجان بخشیده است . این ویژگی از خصوصیات قرآن است که عرب مانندش را ندیده بود. سرزدن سپیده، در تعبیر قرآنی چنین آمده است: «وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ»^۲، گویا صبح زنده است و نفس می کشد. نفَس صبح، پرتو نور و روشنی است که به آن حرکت و زندگی بخشی ده، حرکتی که هر موجود زنده ای با آن زندگی دوباره ای می یابد. سید قطب درباره این تعبیر می گوید: در آثار برجای مانده از زبان عربی، نظیر این تعبیر را نمی توان یافت. از این قبیل تعبیر در قرآن بسیار آمده است. تسبیح رعد: «وَمِنْ حُجُجِ الرِّعْدِ بَعْمَدِهِ»^۳، تسبیح آسمانها و زمین: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ»^۴ و سخن گفتن جهنم: «يَوْمَ نَقُولُ لِيَجْهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ...»^۵ از آن جمله اند.

۱. (شما مردم فرزندان نوحید که) ما چون طوفان دریا طغیان کرد شما را به کشتی نشانیدیم (و نجاتتان دادیم). حاقه/ ۱۱

۲. تکویر/ ۱۸

۳. رعد/ ۱۳

۴. اسراء/ ۴۴

۵. ق/ ۳۰

تصویرگری عبارت است از این که از معنای ذهنی و حالت روحی یک حادثه، یا از یک الگوی انسانی و تاثیرهایی که داشته، به شکل تمثیلی تعبیر شود. رشید رضا در باره این نوع تشبیه می گوید: بیان معانی به شکل تمثیل، نادر و بدیع است و در کلام بلیغان کمتر تکرار شده ولی در قرآن فراوان وجود دارد.

فایده های تمثیل

تجسم هنری، تمثیل نامیده می شود و از زیباترین انواع تشبیه است. این نوع، دارای فایده هایی است که ادیبان بیان کرده اند: عبدالقاهر جرجانی بر این نظر است که ع قلا بر این نکته توافق دارند که وقتی تمثیل در پی معنایی می آید، آن را به اختصار نمایش داده و از شکل اصلی اش به صورت تمثیل در آورده و بر آن معنا، شکوه، برجستگی و فروزندی می - بخشد. توانایی در تحریک روح به سوی آن معنا را می افزاید و دل ها را به سوی فرامی خواند. وی سپس فایده های چندی مانند: ستایش، سرزنش، دلیل، بزرگی، پند و اندرز و ... را برای تمثیل برمی شمارد. آیت الله معرفت در ادامه ملاحظه هایی از تمثیلات قرآنی می آورد :

مدح و ستایش : این آیه در وصف مومنانی است که بر ایمان خویش ثابت قدم و برای جهاد در راه خدا پابرجا هستند :

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُجْزِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»^۱

استواری آنها در ایمان به بذری که در ابتدا ضعیف بوده ، سپس بر اثر قوت و حاصل خیزی جوانه زده و پربار شده و ساقه اش ضخیم و استوار و پر شکوفه گشته، تشبیه شده؛ از این رو هیجان و شگفتی را برمی انگیزد. از سوی دیگر کافران را به خشم می آورد. یعنی مومنان، مانند آن دانه از ضعف به چنین قوتی رسیدند.

۱. فتح / ۲۹

توبیخ و سرزنش: در آیه: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ»^۱ و «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»^۲

برهان و دلیل: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ»^۳.

پند و اندرز: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا»^۴.

^۱ مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری عوعو می‌کند. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. اعراف/ ۱۷۶

^۲ وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد)، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد. جمعه/ ۵

^۳ مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی) حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانند سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است. عنکبوت/ ۴۱

^۴ بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه، و لهو و عیاشی، و زینت و آرایش و تفاخر و حرص افزودن مال و فرزندان است. در مثل، مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگران (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و بپوسد. و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را) آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و بدانید که زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست.

حدید/ ۲۰

۱. در فنون بیانی نخست تشبیه سپس استعاره و بعد از آن، کنایه مرتبه سوم را داراست.
۲. تشبیه، دارای سه ویژگی مبالغه، بیان و ایجاز است.
۳. اهل بیان بر وجود زیبایی‌های بیانی در تشبیه‌های قرآنی اعتراف می‌کنند.
۴. انواع تشبیه عبارتست از : تشبیه معنای ذهنی به معنای ذهنی دیگر، تشبیه مفهوم حسی به مفهوم حسی دیگر، تشبیه معنای ذهنی به معنای حسی و تشبیه معنای حسی به معنای ذهنی .
۵. روح بخشی به جامدات و به حرکت در آوردن اشیاء بی جان از دیگر جلوه‌های بیانی قرآن است .
۶. تشبیه یک معنای ذهنی به یک معنای حسی، تمثیل نامیده می‌شود.
۷. بقیل دارای فوایدی از جمله: ستایش، سرزنش، دلیل، بزرگی، پند و اندرز است.